شعلهٔ جاوید

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

شماره چهارم پنجشنبه ۵ ثور ۱۳۴۷ هـ ـ ۲۵ اپریل ۶۸

سر انجام نظام اجتماعی مترقی‌که در آن بهره کشی انسان از انسان‌رااهی نیست، جاگزین نظامهای فرتوت استثماری خواهد شد این قانونیست عینی و مستقل ازاراده انسان باوجود کوششهای مرتجعین در متوقف ساختن حرکت چرخ تاریخ ،دگر گونی جهشی دیریازود شعلهٔ می افروزد وبه پیروزی می انجامد .

استثمار چیست؟

اگر از کارگری بپرسیم چند مزد میگیری؟در پاسخ‌خواهد گفت:روزانه ۳۵ـ افغانی ویا ماهانه هزار افغانی ویا هفته ای دو صد افغانی. یعنی مزد مقدار پولیست که سر مایه دار برای مدت معین‌کار، به کار گر می پردازد. سر مایه دار ادعا میکند، من بادادن مزد، کارگررا میخرم‌وبنابرآن مانند هر معا ملهٔ دیگری، دراینجا نیز براساس ارادهٔ آزاد ورضای جانبین معا مله دوشیئی‌صورت گرفته(کارگر باپول من) وهیچگونه بیعدالتی و استثماری نمی تواند در میان‌باشد! ولی آیا حقیقت امر نیز چنین است؟

سر مایه دار کارگررا نمی خرد، بلکه «نیروی کار» اورا میخرد، زیرا اگر مزد قیمت کار کار گرباشد، در آنصورت چنین به نظر میر سد که کار دارای ارزش است . ولی ارش هر شی را مقدار کار صرف شده بر آن شی تعین میکند، یعنی کار خودش ارزش میباشد، وچیزیکه خودش ارزش باشد، یعنی خودش ارزش تمام اشیای دیگر را بوجود آورد، چگونه میتواند دارای یک ارزش دیگر باشد ؟

کارگر«نیروی کار» خودرابسرمایه‌دار میفروشد وسر مایه دار نیروی کار کارگر را برای مدت معین مثلایکروز یکهفته، ویایك ماه میخرد. پس از خرید، سر مایه دار (نیروی کار) را مورد استفاده قرار میدهد ، یعنی کارگررا وامیدارد برای‌مدت معین‌کار کند، (کار کردن) استفاده از نیروی کار است. اما نیروی کار چیست ؟

«نیروی کار»، توان جسمی وفکری یك انسان است، یابه سخن دیگر گوشت وخون تن کار گر است. بنابرآن، مزد یعنی ارزش «نیروی کار» در حقیقت ارزش خود کار گر برای مدت معین میباشد. سرمایه‌دار کارگر را برای (مدت معین) میخرد یعنی مزد، قیمت کارگر برای مدت معین است .

در دوران بردگی، ز مانیکه جا معه بدو گروه برده داران‌وبردگان‌تقسیم میشد. برده خودش، تمامی وجودش در سراسر مدت‌زندگی‌ازآن برده دار بود، برده دار صاحب تمام‌الاختیار برده‌بود، برده‌مانندچارپایان‌میتوانست بوسیله صاحب خود مورد تبادله و خرید وفروش‌قرارگیرد. همانطوریکه شخصی می‌توانست گاو قلبه ای را مورد استفاده ویا خرید وفروش‌قرار دهد، برده‌دار میتوانست‌برده‌را مورد استفاده ویاخرید وفرش قرار دهد. برده دار به برده مزد نمی داد، بلکه برده خودش، همیشه تا هنگا میکه زنده می بود، ازآن برده دار بود. بعداً در د ورهٔ ارباب رعیتی(فیودالی) برده به سرف بدل‌شد.سرف‌د هقانی بود وابسته به زمین که بازمین‌یکجا خرید وفروش میشد ونمی توانست از زمین اربابی خارج شود ، سرف بخشی از نیروی کارخود را میفروخت و از ارباب مزدی دریافت نمی کرد، بلکه ارباب از او، از ثمر کار وی سهمی تقاضا داشت. ثمرات کار وی روی زمین میان خودش (حصهٔ خیلی ناچیز آن) وارباب (بخش بیشترآن) تقسیم میشد .

سر انجام سرف به کارگر بدل شد که نه وابسته به زمین اہست ونه به برده دار تعلق دارد، ولی کارگر آزاد نیز عیناً مانند برده وسرف، مجبور است خود را بفروشد، تنها شیوهٔ فرو ختن وی بابرده وسرف تفاوت دارد. برده یکجایی وبرای همیشه فروخته میشد واز خود اراده نداشت، سرف وابسته به زمین بود وهیچگونه مزدی در یافت نمی داشت ولی کار گر آزاد بصورت مقطع یعنی برای مدت معین، هشت ساعته، ده ساعته، دوازده ساعته‌خود رابصاحب سر مایه، مواد خام وافزار کار یعنی سر مایه دار میفرو شد .

بنابرآن سر مایه داری ویابعبارت دیگر کار مزدوری، دنباله و آخرین شکل بردگی وسرواژ است. از نگاه ماهیت همهٔ آنها یکسان بوده و هیچ تفاوتی میان آنها مو جود نیست .

چراکارگر «نیروی‌کار» خویش را میفرو شد؟ برای آنکه زندگی کند سر مایه داری تمام افزار کار،وسایل تولید وسر مایه را بدست سرمایه

درصفحه ٤

داکتر هادی محمودی

ورشکستگی راه رشد غیر

سرمایه داری درهند

ـ ۲ ـ

تجر به بیست ساله هند چگونه بوده است ؟

سکتور دولتی دراقتصاد هندرشد بینظری یافته، سرمایهٔ مالی‌موسساتی که در سکتور دولتی حصه دارند، تقریباً نصف سرمایه مالی تمام موسسات هندی‌را دربرمی‌گیرد. قرار احصایه های حکومت هند، در ظرف هشت سال، ازسال مالی ۵۷ـ۱۹۵۶ تاسال ۶۵ ـ ۱۹٦٤ تعداد موسساتی که در بخش عا مه شامل اند از هفتاد و چهار ر به ۱۸۳ بالارفته وسرمایه مالی آن‌ها چارده بار افزایش یافته است. اگرچه۱۸۳ موسسه‌ای‌که در «بخش‌عامه» شامل اند ٪۷ر۰ تعداد کل شرکت های سهامی هندرا می سازد، ولی‌سرمایه مالی‌آن‌ها ٪۴۰ سرمایه مالی تمام موسسات هندی را احتوا می کند. تولیدات کلی سکتور عامه۲۵ فیصد تولیدات مجموعی هندرا تشکیل میدهد. بهرحال این‌رشد«بخش‌عامه» بهیچ وجه‌موجب‌نگشته تاازگسترش نفوذ اقتصادی امپریالیزم در هند جلو گیری بعمل آید، برعکس موازی با رشدسکتور دولتی، نفوذ اقتصادی امپریالیزم دراقتصادیات‌هندگسترش وسیع‌تر یافته است. ازجملهٔ ۱۰۰ گروه بزرگ انحصاری هند تقریباً ٦۰تای آن، موافقت نامه های‌همکاری باموسسات انحصاری باختردارند و

ازجملهٔ ۲۴۰ شرکت هندی که تحت کنترول انحصارات امپریا لیستی بیگانه قرار دارند، در۱۵۰ تای آن سرمایه امپریالیستی مستقیماًشامل است. تااواخر سال ۱۹٦٤ ایا لات متحده امریکا وبانك بین‌المللی تحت کنترول آن بموسسات انحصاری خصوصی هندی ۹۵بار وام‌داده اند که مجموع این وام ها به۲٦۵۷ملیون روپیه (کلدار هندی) بالغ می شود. ازین مقدار ۲۰٤۵ ملیون روپیه یا ٪۹٦ آن به انحصارات بزرگ‌هندی وخارجی تعلق میگیرد که دررأس‌آنها انحصارات «تاتا» (برلا) (کیلا چند) وغیره جای دارند .

ازجانب دیگر رشد سکتور دولتی بهیچوجه مانع ازرشد انحصارات هندی‌نشده، سهل‌است که‌انحصارات بتواند. گروپ «تاتا» یعنی‌بزرگترین انحصار هندی، که درسال های نخستین آزا دی با سرمایهٔ «۷۰۰ هفتصد ، ۸۰۰ هشتصدملیون روپیه کار میکرد، اکنون دارا ی سرمایه‌ای بیش از چهار هزار ملیون روپیه می باشد. گروپ مذکورنفوذ وسیعی درساحه فعالیت های مالي داشته، «بانك مرکزی هند، یکعده بانك های دیگر ومؤسسات بیمه ، که مبالغ مالی تمام آن‌ها با لغ به ششهزار تاهشت‌هزارملیون‌روپیه می‌شود درتحت کنترول این گروپ قرار دارد. گروپ «برلا» یادومین گروپ انحصا ری بزرگ هندرا در نظر گیریم .

قدرت صنعتی ومالی این گروپ درسال های ٦۰ـ ۱۹۵۸ به‌یکهزارو پنجصد ملیون روپیه بالغ می شد.

درسال های اخیر مجموع سرمایه صنعتی ومالی حیطه کنترول آن با چهارهزار تاشش هزارملیون روپیه افزایش یافته است سایر مؤ سسه های انحصاری کوچکتر نیز باسرعت روز افزون درحال توسعه و رشد اقتصادی بوده وحتی گروپ های نوین انحصاری در حال تشکل و پیدایش اند .

جالب‌تراینکه سکتور دولتی‌نه‌تنها ازرشد انحصارات خصو صی هند جلو نگرفته، بلکه نقش ممدوتقویت کننده آن را ایفا نمو ده است. موسسات مالی «بخش عامه»ما نند «کور پوریشن مالی صناعت » و

(درص۳)

شعله که خاموش نمی شود

روز دوشنبه گذشته (۲۲ـاپریل) مصادف با نودو هشتمین سالروز تولد ولادیمیر ایلچ لینن رهبر و سازمانده بزرگ جنبش بین المللی کارگری بود

خلقهای رزمندهٔ سراسر جها ن هیچگاه سیمای در خشا ن ونبو غ آفرینندهٔ پر درخشش این پیشاهنگ کبیر را از یاد نخواهند برد .

لینن جهانبینی پیشرو را در دوران امپریالیزم وانقلابها ی پرولتاریایی تکامل داد وبرژرفای آن افزود وگنجینهٔ دا نش نوین را بارهنمود ها وآموزشهای پرارج خویش غنی سا خت .

اَو در سراسر زندگی بارور خود دشمن آشتی ناپذیر سا زشکا ری وهرگونه آیین شکنی دیگر بود. نبرد دلیرانهٔ او با نما یند گان گرایش راست دربین الملل د و م برای همه‌رهسپاران راه خلق‌رهنمود درخشانی است .

لینن باپایه گذاری یك ساز مان نوین، پیکارجو وآبدیده دشواریهای راکه بر سرراه رهایی وآزادی خلق میهنش قرار داشت ، نابودساخت وبااین پیروزی شگرف ودورانساز افق نوینی بروی خلقهای ستمکش دنیا کشود .

دانش ژرف‌وخلاق، ارادهٔ شکست ناپذیر، روان‌پرشور وجوینده، ایمان عمیق به انقلاب، عشق سر شار به توده‌ها، چنین بود سیمای لینن . خا طرهٔ تابناك لینن همواره روشنی بخش راه کسانی خواهد بود که علیه جنگ غیر عادلانه، بیداد گری طبقاتی، اسارت ملی وخوار شمردن پایگاه انسانی پیکار می کنند .

دولت دموکراسی ملی
یاشکل سیاسی راه رشد غیر سرمایه داری

انجنیر محمد عثمان

طبقات محروم و ستمدیده که سالیان دراز در دل قرون واعصار گذشته متحمل رنجهای بیشمار به وسیلهٔ استثمار گران وغار تگرا ن گردیده بودند سر انجام در نیمه اول قرن‌بیست‌با استفاده‌ازاساسات را ستین دبستان پیشرو بطورقابل ملاحظهٔ خویش را از قید اسا رت و بندگی نجات داده بصورت طبقا ت متشکل و دارای دولت های ویـژه در عرصهٔ مبارزات خرو شان جهان که نبردبهره‌کشان وخلقهای‌انقلابی می باشد عرض وجود نموده واکنون در صددانـدتا باز هم حلقهٔ‌استثماری واستعماری دشمنان خویش (امپر یالیزم ، مدافعین استعمار نو ین ارتجاع) را که بر غارتگری ثرو ت های طبیعی ونیرو هـای انسا نـی شان متکی است در پرتو اندیشه شکست نـاپـذیـر عـصر زوا ل امپر یالیزم تنگتر نموده و سر انجام پیروزی نهایی بکف ارند .

پیروزی‌های طبقات رنجبروسایر محرومین از این جانشی میگر دد به طبقات مذبور با سر مشق قرار دادن تز های‌اساسی دبستان پیشرو صفوف خویش را مستحکمتر نموده هر نوع فرضیات مدافعین استعمار نوین را که باعث در بند نگهداشتن خلقهای ستمدیده میگردد ، طرد و محکوم نموده ودردگر کونـی ها ی جهشی شرایط نا گوار اقتصاد ی نظام های پو سیده سهم خو یش را در تاریخ جنبشهای آزادیخواهی و رهایی بخش اجرا می نمایند .

آیا مهمترین تز ها واندیشه‌های را که این خلقها در طول مبارزا ت خود از ان استفاده کرده اند اعتبار خود راازدبست داده تا ملل ومردمان تحت اسارت در جستجوی راه ها ی تازه شده واز آنها برای نجات شان استفاده نمایند ؟

پاسخگـوی ایـن‌سوال تیور ی «دولت ودگر گونی های جهشـی » آموزش مترقی می باشد .

میزان واقعی بودن‌و استواربودن هر جنبش ضد امپر یالستی ، ضد ملاکی و ضد برو کراسی را فقـط با این محك مي توان ارزيابی کردکه رهبری در دست کدام طبقه است ؟ طبقه رنجبر از آنجائیکه در کشـور های نیمه مستعمره ووابسته مـورد ستم استثمار امپر یالیزم، مدافعین استعمار نوین ،تاجر دلال بروکرات، ملاکین و سایر طبقات بهره کش به صورت مشترك قرار دارد یگانه‌طبقه است که کاملا واقعاً وتاآخر مبـارز ورز منده می باشد ،لذا میتواند و باید پیش آهنگ جنبشهای آزادی خواهی ملی و دمو کراتیك گردد .

مفهوم‌پیش‌آهنگی‌جنبشهای‌نجاتبخش ملی مستلزم نیروی عمده و متحد ، و دوست مطمئن است . بمساله‌متفق در دگر گونی های جهشی اجتماعی اساسی تریـن مساله را تشکیـل میدهد .

یکـی از از متفکـریـن دبستا ن پیشرو میگوید :«درراه دموکراتیزم تنها رنجبران میتوانند مبارزه ثا بت قدم باشند و تنها وقتی میتوانـنـد مبارزه پیروز مند در راه دموکراسی باشند که به مبارزه عمیق توده های دهقانان بپیوندند ...»

از اینجاست که اتحاد طبقه‌رنجبر ودهقان و نیمه رنجبران تحت پیش آهنگی طبقه رنجبر شرط اصلـی و اساسی موفقیت جنبش های نجات بخش ملی می باشد .

باید دانست کـه در شرا یـط امروزی بین المللی رنجبران ، نیمه رنجبران‌ودهقانان‌تنها طبقات محکوم در کشور هـای آسیا ، افـریقـا و امریکای لاتین نیستند . طبقه متوسط (اتا جرملی وغیره) نیز درین کشور هابدرجات مختلف محکوم‌می‌باشند) لذا بایستی از نیروی رز مند گـی وپیشتازی آنان هم استفاده بعمـل آید .

بدینسان در چـنین کشورها طبقـه رنجبر پس از بر قراری اتحاد بانیمه رنجبران ودهقانان میتواند با طبقه متوسط ودر شرایـط مشخصی بـا قشر فوقانی طبقه متوسط جبهه‌متحد را بر ضد امپر یالیزم ، مدا فعیـن استعمار نوین ، ملاکین ، تـا جـر دلال برو کـرا ت وسایـر عناصر مرتجع تشکیل بدهد واین جبهـه متحد ملی فقط زمانی میتواند بوجود آید کـه اتـحاد رنجبـران ، نـیمه رنجبران‌ودهقانان‌تامین‌شده‌باشد بناء سرپیچیدن ویانفی‌نقش پیش آهنگی رنجبران بمعنی‌نفی وانکارجبهه‌متحد ملی می باشد .

این یك ضرورت تاریخی است‌که طبقات رنجبر باید چنین شیو ه‌را جهت طرد کلی تمام شرایط نا گوار اجتماعی بمنظورنیل بـه پیروز ی خویش تعقیب نمایند .

در سالهای اخیر پیروان مدافعین استعمار نوین در کشور های کم‌رشد ونو به آزادی رسیده طبق هدایت و رهنمائی اربابان خود دست‌به ایجاد وطرح ریزی یك سلسله باصطلا ح شعار ها وتزها زدند، یکي از عمده ترین این تز ها به اصطلاح راه رشد غیرسرمایه داری است که شکـل سیاسی آن دولت دمو کراسی ملی می باشد .

آیا واقعاً گفته ها ویا با صطلاح اختراعات مدافعین استعمار نو یـن وپیروان آن درست‌است ویا اینکه تکامل او ضاع بـاز هم در خشش اندیشه های پیشرو را بیش‌از پیش ثابت میکند ؟

این چیز یست که مادر مورد تز باصطلاح سکتور دولتی در مما لك نیمه مستعمره ووابسته دیـدیـم و اکنون در مورد دولت به اصطلا ح دمو کراسی ملی مطالعه می کنیم . عمال وایادی امپر یالیزم و مدافعین استعمار نوین در کشور های بـه اصطلاح کم رشد به پیروی ازاصول منحرف شده اید یالوژی پیشرو می گویند :«حکومت دمو کراسی ملی از نظر ماهیت طبقاتی و ملی‌خود بـر جمیع قدرتهای ترقیخواه‌دموکراتیك وملی جامعه یعنی کارگران، دهقانان، منورین مترقی ، اهل حرفه، مالکا ن خورد و متوسط شهری و دهاتی به اتحاد سرمایه داران ملی (بحیث‌یك جبهه متحد ملی) متکی بوده ومنافع اساسی خلقها را حر است وتا مین میکند در دمو کراسی ملی عالیترین مقام قانونگـذار ی ومـظـهر ارادهٔ خلقهای شوری‌است .. هیات‌حکومت در دمو کراسی ملی‌از طرف شوری ایجاد گردیده واز اعمال آن دقیقانه نظارت میکند ......»

همچنان میگوینـد : « در جبهه متحد ملی که اساس طبقاتی دولت دموکراسی ملی را میسازد هر یـك از طبقات دموا تیك مـی تـوا نـد رهبری را عهده دار کردد ..»

بگذاریم از اینکه با شیوه هـا ی مبارزهٔ که مدافعین استعمار نـو ین وعمال آن از آن پشتیبانی میـکند رسیدن به این دولت اختراعی خـود شان هم ممکن نیست ونیزمرتجعین و طبقات حاکمه مر تجع برضاخاطر ساطور قصابی خود را بزمین نـمی گذارند و مبدل به بودا نمیشوند در پرتو اندیشه های مترقی اولا چنین پرسشی بمیان می آید . در جبهـه متحد ملی که بنیان طبقاتی دو لـت با اصطلاح دمو کراسی ملی‌راتشکیل میدهد کدام یك از طبقات هژ مونی (تفوق یا بعبارت ساده رهبری) را بدست دارد آیا رنجبران بـا اتحاد دهقانان ونیمه رنجبران یـا طبقاتی که خصلت دو جانبه ستـمکـری و ستملشی دارند ؟

در صورت اول دولت مذ کـو ر یك دولت دمو کراسی ملی نیست و اما در صورت دوم که هژ مو نـی بدست طبقات غیر رنجبر می باشد در آن صورت‌دولت‌مذکور یك دولت دمو کراسی بورژوایی است .

از جانب دیگر در شرایط کنو نی جامعهٔ ما تاجر ملی که منافع او را امپریالیزم و مدافعین استعمار نوین به تاراج می برند با ایـن دشمنا ن خارجی مخالف است یا موافق ؟

اگر مخالف است پس چگو نـه

(درص۳)

قره تاش

ایل ایته دور

بو قرا نغو کیچه ده ...
بوقم لرنی قراقز غن گر بادی .
بیزنی کیسگر یره تر
بیزدن کچ لیك‌پولاد کبی‌تقم‌لر...
فلك لرني قد روب ،
خلق نی ایکی یوز لیك غنم لاری نی ،
مردم ساری دن ایدب .
کـوپ چـی لیك نـی قضاوتین جو ریگه ،
گمان سیز آلوب بارده .

•

ای قوتلیش یولدوزی ...!
سیزنی آیدن‌اولوغ یوزلارینگزگه،
قزل قلم اوچی برله یازیگن .
قوی ده کی خلق آیتشی
(امان سیز صنفی اوردش)

•

سیز بیـز لرنـی کـوزیمیز نی کور دی .
یشنب چقننگ هر یانگه
قرابولوت لرنی بغری‌نی‌پرتوب،
تیـنـج لـیك یا غـمر ی‌نـی‌مردم یا غدرینگ ...!
بـویا غمـر نی آق آلتـون دیك سوایی د ن ،
سوسیز قالگن لاله لرنی بوغزی نی ،
سو غـر ماق غـه همت بیلی نی با غلنگ

•

سیز بلینگ ای یولدوزلر ...!
بیز لرنی ضدیمیز گه ...،
توزلگن تهدید لردن ،
ذره قور قوشمیز یوق .

•

بیز ساله میز غوغالر،
اهریمن لربا شیگه .
بیز توزرمیز دریالر ،
دژخیم لرنی قانی دن .
نیچون ؟
که بیز بر لشگن محنت چی‌لر .

دولت دمو کراسی ملی

راه رشد سرمایه داری همبستگی ما را با امپریالیزم و مدافعین استعمار نوین بار می آورد ؟

واکر موافق است چکونه در جبهه متحد ملی با تعقیب راه رشد غیر سرمایه داری نه منافع او را بدست صبقات متحد میدهد سهیم میکردد ؛

در شرایط دولت دمو کراسی ملی نمایندگان که در پارلمان از صبقات مختلف جبهه متحد ملی کرد می ایند بانصبع از نظر تعداد مساوی نیستند وحتماً مونی بدست یکی از طبقات است . چون در دولت های دمو کراسی باید همیشه ارادهٔ اکثریت بر اقلیت بچربد بناءً این پارلمان چه نوع حکومت را رهبری خواهد کرد واز اعمال آن نظارت خواهد نمود ؟اکر در پارلمان اکثریت بدست رنجبران است درین صورت ضرورتی به دولت دمو کراسی ملی احساس نمی شود ، بگذاریم از اینکه طبقات حاکمه ارتجاعی برای تحکیم منافع خود تنها پارلمان را در اختیار ندارند بلکه سایر وسایل سر کوبی را به اضافه .... پارلمان بدست دارند . واکر اکثریت بدست غیر رنجبران است درآن صورت طبقات حاکمه طبق منافع طبقاتی خود ازآن دولت بهره برداری نموده باز هم امکانی برای وجود باصطلاح دمو کراسی ملی باقی نمی ماند .

آستان بوسان ارتجاع که به ارادهٔ خود سخن نمی گویند بلکه چون گدی کوکی به اراده صاحبان خود میرقصند ملتفت تناقض گوئی های خود نگردیده در یك جا ادعا می کنند که دمو کراسی ما محصول مبارزات دلیرانهٔ خلقهای کشور ماست ولی در جای دیگر از خود می پرسند : «سوال جدی درین جاست که آیا حکومت های افغانستان می توانند نوعی از حکومت های دمو کرا تیك محسوب شوند ،جواب منفی است » هر گاه دمو کراسی واقعاً محصول مبارزات دلیرانه خلقهای ماست پس چرا حکومت های افغانستان نمی توانند از نوع دمو کراتیك باشند ؟ واگر اینگونه دمو کراسی برای فریب خلقهاست (که در واقع همینگو نه است) چگونه خلقهای خود ارادهٔ فریب خود را کرده اند ؟

اما اگر شیوه مسالمت آمیز و راه رشد غیر سرمایه دار ی که شکل سیاسی آن(دولت به اصطلا ح دموکراسی ملی) فوقاً تشریح شددر شرایط دولت های بورژ وایی تجدید نظر به اندیشه های دبستان مترقی باشد، تطبیق آن در شرایط حاکمیت ملاك برو کرات و تاجر برو کرا ت وعدم موجودیت ابتدائی ترین آزادی های متداول دمو کراتیك که اکنون مادر آن بسر می بریم و محدود ساختن اشکال مبارزه در شرا یطی که نیرو های سیاه ارتجاعی قد رت

دولت دموکراسی ملی

مند هستند اگر دیوانه گی نباشد خیانت آفتابی است .

اصول تا کتیکی اساسی ایدیالوژی پیشرو عبارت از ینست که در همه جنبش های توده‌ای ضرورت استقلال وآزادی سیاسي رنجبران حفظ گردد

مقام طبقه حاکمه است.» بکلي فراموش شده است .

بگذارد کاسه لیسان در گاه اربابان زر هر چه از چرندیات خنده آور و هجویات لایعنی در چنته های مغز خویش دارند چون شعبده باز ان بازاری در انظار همه گان بریز ند تاعلم دگر گونی عمیق رنجبران در مبارزه با اینگونه پندار های پو چ

دځوان ترانه

س،م

دتن په رگ رگ کښې مې و ینه له پته ړ که
په جو ش راغلې ده بیا له شجا عته ړ که
قر ا ر ید لی نشی ده له غیر ته ړ که
په غو ر ځنګو را غلې ده له قدرته ړ که
دا له همته ډکه نه سړیدلی‌شی دا
نه ورکیدلی‌شی دا نه چپ کیدلی‌شی دا

زه د عبر ت بل مثال دو که کید ی نشمه
زه یو طاقت په دنیا محوه کیدی نشمه
زه په و یستلی توره خانته جها ن جوړوم
دا د ژوزا نو خو نه زه ګلستا ن جوړوم
له دی محکومه افغان نو ی انسا ن جوړوم
د قام دردو لره زه خپله د ر مان جوړوم
ستر ګی هم اوباسه خو، ړندوی مې نشی
پښې مې هم ماتې کړه خو، دروی مې نشی
زه د عبر ت بل مثال دو که کید ی نشمه
زه یو طاقت په دنیا محوه کیدی نشمه
زه د مزدور په خاطر ظالمانو د ښمن
کله هیر یږی ز ما د بز ګرا نو د ښمن
یم د کار ګر ملګر ی د مفتخوارانو د ښمن
د یر ی خوړلی یمه د ر نجبر ا ن د ښمن
که ئې خوړ لی یمه خو هضموی مې نشی
زه یم له زهرونه جوړ بل څه کوی مې نشی
زه د عبر ت بل مثال دو که کید ی نشمه
زه یو طاقت په دنیا محوه کیدی نشمه
زه دسیندونو موج یم قرار و ی مې نشی
خس اوخاشاك به‌څه وی پرې بندوی مې نشی
زه په تهر جنګیږ م په شا کوی مې نشی
له قهرو ډك یم ورته پخلا کو ی مې نشی
زه د محکومه اولس د ا ر.ما نو قافله
د ار تجاع د قانون د ور کیدو قا فله
زه د عبر ت بل مثال دو که کید ی نشمه
زه یو طاقت په دنیا محوه کیدی نشمه

وبین رنجبران و دشمنان وی مرز دقیقی اصولی کشیده شده ، منافع آتی جنبش با منافع آینده آن پیوند داده شود .فراموش نمودن این اصل معنی فرو رفتن در منجلاب تجد ید نظر ناشیانه در اصول جهان بینی پیشرو می باشد .

بناءً از سلسله مسایلی که فوقاً ذکر شد چنین بر می آید که دولت به اصطلاح دمو کراسی ملی یك تجدید نظر تام وتمام در جهان‌بینی علمی و پیشرو پیرامون مساله دولت ودگر گونی جهشی سیاسی می باشد زیرا این اصل اساسی اندیشه های مترقی که:«**نخستین گام درجنبشهای عمیق طبقه رنجبر بالا بردن آنها به**

راه خویش را خوبتر وبیشتر در صفوف رنجبران و متحدین آن باز نموده وگنجینهٔ دانش پیشرو رابیش از پیش غنی نمایندوما **یقین کامل به این تز فنا نا پذیر داریم که آزاد ی طبقه ستمکش بدون دگر گو نی جهشی بدست خود رنجبران غیر ممکن است .**

ورشکستگی...

«کورپوریشن بیمه ز ندگی» برا ی انحصارات خصوصي کر يد ت ووام تهیه نموده وهم چنان ضمانت از انحصارات خصوصی‌را برای‌دریافت وام ازانحصا رات خارجی بعهده میکیرند. بقرار تخمین یك چها رم سرمایه گذاری خصوصی هند، ازراه اینکونه کریدت‌ها تامین شده است برخی دیکر از موسسات«بخش عامه» برای انحصارات خصوصي، نیروی (برق، ذغال وغیره)ارزان وتسهیلات حمل ونقل فراهم کرده وبر عکس تولیدات انحصا رات خصو صی را بابهای بلند میخرند. بطور مثا ل کنسر سیوم «دالمیا» یك کروه انحصاری خصوصی ، نیروی بر ق از سکتور دو لتی به‌بهای فی کلیوات دوسوم یك‌آنه خریداری می کند، حال‌آنکه اکر خود کنسرسیوم‌مذکور برق تولید میکرد بهای فی کلیوات سه چهارم یك آنه تمام می‌شد. راه آهن‌دولتي هند، لکوموتیف های راکه کنسرسیوم «تاتا» تولید می‌کند با بهای بلند می‌خرد. اینکونه کمك‌های سکتور دولتی علت مهم ر شد انحصارات خصوصی را تشکیل مید هد. بقرار راپور کمیته پلا ن گذاری دراپریل سال ۱۹٦۷ د ر حالیکه درآمد ملی از۱۹٦۱تا ۱۹٦٤ ده‌فیصد افزا یش یافته، درآمد انحصارات «برلا» ازراه فروش محصولات آن یك افزایش۲ر٤۸فیصد را نشان مید هد .

حقایق نشان میدهد، که سکتو ر دو لتی نه‌تنها ازرشد وتوسعهٔ نفوذ امپریالیزم دراقتصاد هندجلونکرفته، ونه اینکه رشد وگسترش دامنهٔ قدرت سرمایه داران بزرک هند را مانع نگشته، بلکه خود نقش یاور و مدد گار انحصارات خصوصی ر ا ایفا نموده است. در حقیقت امر آن‌دسته های از صنایع که سرمایه گذاری درآن ها سود کمتر وبهره‌ برداری طویل تر رادر بر میکیرد ، مانند مواصلات ومخابرات، نیر وی (برق، ذغال، گاز) وغیره بعهده دولت واگذاشته شده تااز راه مالیات (که‌از جیب مردم بیرون می‌آید) ووام های کمرشکن واسارت آور خارجی(که به‌اعتبار مردم اخذ می شود) آماده گردد. وآن رشته‌های که سود بیشتر ونزدیکتر میدهد به سرمایه های بزرگ خصوصی‌سپرده شده‌است، یابقول معروف «آن یکی میکارد واین یکی می خورد» در دهات در حالیکه چند فارم مکانیزه در

(در ص ٤)

روش شرا فتمندانه در زمینهٔ‌سیاست تظاهر وجود قدرت است و بکار بردن فریب و نیرنگ درسیاست نشانهٔ سستي است .

استثمار چیست؟

داران متمرکز میسازد. توده های کارگر را از هست ونیست ساقط نموده وبرای کارگر چیزی با قی نمی ماند مگر آنکه «نیروی کار»خود جسم خود را بفروشد، تاآنکه بتواند زنده بماند. ولی استفاده از (نیروی کار) یعنی کارکردن، فعالیت زندگی کارگر است. او، این فعالیت‌زندگی خویشرا به شخص دیگر(سرمایه‌دار) میفروشد تاآنکه وسایل ضروری زندگی خود را فراهم سازد. «یعنی فعالیت زندگی و ی برای او، وسیله ایست که زنده بودنش را تامین میکند، او کار می‌کند برای‌آنکه زنده بماند. کار کردن جزء زندگی وی بشمار نمی آید، بلکه کار کردن در حقیقت بهایی است که وی برای زنده بودن، به سرمایه‌د ارمیپردازد. استفاده از«نیروی کار»یعنی کار کردن بخود کارگر تعلق‌دارد. وی آنرا به سرمایه دار فروخته، بنابرآن«محصول کار نیز بوی تعلق نداشته واز آن سر مایه دار است ، چیزیکه اوبرای خود تولید میکند، تکه ای نیست که می بافد، طلایی‌نیست‌که از دل‌کوه‌ها بیرون میکشد، قصری‌نیست که بنا می نماید، بلکه مزد است،تکه، طلا و قصر برای وی به مقادیرمعین‌وسایل ضروری زندگی مانند لباس لیلا می کرایه اتاق ونان وچای بدل میشود. کارگریکهٔ ده ساعت تکه می بافد، ده ساعت درکان طلا کار می کند، ده ساعت بنایی میکند، آیا این ده‌ساعت نساجی، معدن کنی، وبنایی برای خودش زندگی بشمار می آید؟ نه بر عکس زندگی برای او، درست پس از ختم همان ده ساعت شروع میشود. زندگی برای وی سر سفرهٔ غذا، در بستر ودر سماوار آغاز میشود .

ده ساعت کار یعنی ده ساعت معدن کنی، ده ساعت نساجی، وده ساعت بنایی برای خود وی هیچ سو دی‌در بر ندارد، جزآنکه وسیله ورلهی‌باشد تا اورابه سفرهٔ غذابه سماوار وبه بستر برساند. بدین ترتیب ثروت بدست او بوجود می آید ولی‌خودش صاحب آن نیست، او برای‌سرمایه داران ثروت تولید میکند وبرای خود فقط زنده بودن !

قیمت نیروی کار چگونه تعیین میشود ؟

اولین عا مل تعین‌مزد، مقدارعرضه وتقاضا دربازارخرید وفروش(نیروی کار) میباشد. رقابت و مبارزه میان صاحبان نیروی کار یعنی کار گران وصاحبان پول یعنی سر مایه د اران میزان مزد را معین میسازد. مبارزه کارگران برای ازدیاد مزد نقش‌عمده واساسی در تعین مزد داراست. ولی چه چیزی‌حد نهایی نوسانات مزد را (نیروی کار) .مخارج تربیه کار گر و مصارف ضروریات او لیه زند گی وی را در بر میگیرد. بنا برآن‌هرقدر مخارج تربیه کار گر کمتر باشدیعنی هرقدر کار کمتر جنبه تخصصی داشته‌باشد، بهمان اندازه ارزش (نیروی کار)یامزدکارگر کمترمیباشد هرقدر سطح زندگی در جا م عه‌پایان باشد، مخارج‌ضروریات‌او لیه زندگی کمتر بوده وبه همان اندازه ارزش (نیروی کار) یا مزد کارگر کمتر میباشد .

هر قدر مبارزه‌کارگران برای‌افزایش مزد کمتر و سستر باشد به همان اندازه ارزش(نیروی کار) یا مزد کار گر کمتر میباشد در کشور ما تمام عوامل .مذکورعنی مخارج تر بیه کارگر، سطح زندگی مردم‌ودر‌نتیجه مخارج ضروریات او لیه زند گی کارگران بسیار وفوق العاده ناز ل است، پس برای کارگران یگانه راه زنده ماندن مبارزه است، آنها درین مبارزه چیزی را از دست نخواهند داد، زیرا اصلا چیزی ندارند که از دست بد هند مگر آن زنجیر هایی‌را که آنها را مجبور بفروختن خودشان میسازد، ولی در عوض جهانی راکه آفریدهٔ دستان پر آبله‌شان است‌بکف خواهند آورد .

ولی آیا واقعاً سر مایه دار با دادن مزد د ر بدل (نیروی کار) کارگر، معامله مساویانه انجام داده است؟ آیاواقعاًچزیکه او بکار گر مید هد، باچیزیکه از کارگر میگیرد مساوی است ؟

ارزش «نیروی‌کار»عبارت است از ارزش ضروریات او لیه زندگی‌کارگر اگر/ ضروریات اولیه زندگی‌یک‌کارگر برای یکروز| باشش ساعت کارفراهم شود، شش ساعت‌کار ارزش(نیروی کار) میباشد. حال اگر شش ساعت کار را به بیست افغانی نشان د هیم، ارزش(نیروی‌کار) برای یکروزبیست افغانی است .

فرضاً سر مایه دار (نیروی کار) رابه بیست افغانی یعنی قیمت‌حقیقی آن میخرد. تا اینجا معا مله کا ملا مساویانه است، زیرا مانند هر شی دیگری، سر مایه دار قیمت(نیروی کار) را مساوی با ارزش حقیقی آن به‌کارگر داده است.ولی(نیروی کار) کارگر دارای خاصیت دو گانه است. ازیکطرف خودش باشش ساعت کار (نیم روز کار) تولید میشود،بنابرآن ارزش مبادلوی آن شش‌ساعت کار است، واز طرف دیگر میتواننددوازده ساعت (یکروز تمام) کار کند، یعنی برای سر مایه داردوازده ساعت‌کار تولیدی جدید انجام دهد، بنابرآن ارزش استعمالی آن دو چند ارزش مبادلوی اش میباشد. بناءاً ارزش‌خود (نیروی کار) وآن ارزش که (نیروی کار) در دوران عملیهٔ تولید [illegible] بنابرآن از یکطرف تولید وبوجود آوردن (نیروی‌کار) کارگر نیم روز (شش ساعته) کارلازم دارد وازطرف دگر همان (نیروی کار) میتواند یك روزکا مل(دوازده ساعت)کار تولیدی حدید انجام بد هد. به سخن دیگر سر مایه دار با دادن بیست افغانی (وياشش ساعت‌کار) به کارگرچهل افغانی (دوازده سا عت کار) از وی گرفته است! این بیست افغانی اضافگی، ارزش زایگان، ارزش‌اضافی است که سرمایه دار بدون هیچگونه درد سر آنرابه جیب‌میزند! ولی‌چه کسی این ارزش‌اضافی‌را ایجاد کرد؟ (نیروی کار)کار گر! چه کسی آنرا تصاحب‌کرد؟ سرمایه دار! در بدل چه چیز؟ هیچ! بدین تر تیب سرمایه از راه دزدی (نیر وی کار) کار گر افزایش می یابد. سر مایه دار چون زالوی خونخوار تنها بامکیدن‌وشیره کشی بیشتر(نیروی کار) میتواندبه زندگی خویش ادامه دهد .

چنین است مفهوم برابری وآزادی سر مایه دار ی! آزادی یعنی: کارگر آزاد است نیروی کار خویش را در معرض فروش بگذارد! برابری یعنی:

ورشکستگی ..

سکتو ر دولتی ایجاد شده، و لی سیستم ملاکی بطور کامل وهمه جانبه محفوظ بوده ودهقانان هنددر وضع فوق‌العاده ناگوار ومشقت‌باری بسر می‌برند. بهره‌کشی ظالمانه ملا کان، رباخواری دلالان، کا هش تولیدات را موجب شده‌واین بنوبه خود بیکاری وقحطی عظیمی رابوجود آورده وتوده های دهقانان رابه آستانه مرگ حقیقی کشانده است.

درزمینهٔ سیاسی حقایق گواه براینست که‌شدت سرکوبی مبارزات مردم هند روزبروز ازطرف دولت هند بیشتر شده حکومت های غیر کانگریسی ایالات کیرالا، بنگال‌غربی وغیره یکی از پسی دیگری ملغی‌اعلان واداره ایالات مذکور به حکومت مرکزی کانگریسی سپرده‌شده‌است. هزینه نظامی وتشدید تسلیحات (در حالیکه مردم از شدت قحطی در آستان مرگ قرار دارند) روز بروز افزایش می یابد .

بنابران «رشد سکتور دو لتی » به سرمایه داری بروکرات انجامید. هندرابه بزرگسترین واولین کشور مقروض جهان تبدیل نموده وقحطی وبیکاری بی نظیری به ارمغان آورده است .

حکومت دموکراسی ملی به سراب خشك وشوره زار دکتاتوری سرمایه بر و کراتیك یعنی سر کو بی شدید تر ومحکومیت بیشتر خلق‌های هند بدل شده. مبارزه پار لمانی نه تنها موثریت خودرا از کف داده، بلکه خود پارلمان ها وحتی حکومت های ایالتی غیر کانگریسی از میان برخا سته اند .

اما آینده خلق کبیر هند تابناك است. هم‌اکنون نخستین غرش های رعد بهاری درفضای سر زمین‌پهناور هند پیچیده است. جرقه های‌کوچك مبارزات عادلانه خلق هند مسلما تبدیل به حریقی بزرگی خواهندشد وتمام دشمنان خلق هند ودشمنا ن جهان بشری را از میان خوا هد بر د !

(پایان)

از فو لاد

ندای سازندگان تاریخ

باور کنید در طول زند گی غذائیکه بتواند حداقل انرژی برایم تولید کند نخورده‌ام، تامغزم خوبتر کارکند وچند صفحه از هنروادبیات رادر خدمت خلق‌تقدیم کرده بتوانم. آنچیزیکه اعتراف میکنم عبا رت از درد ها، ناله ها وشب‌زنده‌داری ها ست. نمیدانم از کجا شروع کنم، شکست پشت شکست، دردبه تعقیب درد .

میخواهم از چهار چوکات کلبهٔ خویش صحبت را شروع کنم که دیوار های آن فشرده ازشوره ونم است. بلی این ازآن من است.بازهم یاد آور میشوم از اینکه سخت تکلیف‌ده وطاقت فرساست، مسلول ومفلوج شدم از این زندگی، زنده به گورها، ازدست انسانها! نیکه زندگی دل انگیز را که سازندهٔ نعمت های آن مارنجبران و کارگران میباشیم برای ماجهنم ساختند و دست رنج مارا دزراه های نامشروع خود بکار می بندند واز هیچگونه بیداد گری دریغ ندارند .

آخر هر انسان که زنده است میخواهد زندگی کند واز زیبا نی های زندگی لذت برد. امااین طور زندگی‌نه، زندگی حسابی .

ندای ما رنجبران برای بهبود زندگی تمام رنجبران وتوده ها و هم برای سرکوب کردن طبقه ا یکه زندگی را برای ما مرکبار سا خته است ، میبا شد .

قد رت واستعداد ما رنجبران از آنها بیشتر است زیرا که آفرینندهٔ نعمت ها ما کار گران و رنجبرا ن میبا شیم . دنیا از ما ونا بو دی از انسانهای بیداد گر است .

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
داکتر ر حیم (محمو د ی)
آدرس حصه اول جاده میو ند
حساب در پښتنی تجارتی بانك
(۷۲۷٤)

حق‌الاشتراك
قیمت هر شماره د و افغانی
هر پنجشنبه نشر میشود
[illegible] ۱۰۰ افغانی